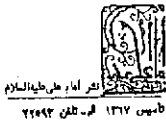


# سنجش واژه یاب نهج البلاغه

محمد هادی مؤذن جامی

المعجم المفهرس لالفاظ  
نهج البلاغه



محمد کاظم محمدی

محمد لشتی

اندر کار مجله وزین کیهان اندیشه نکاتی از آن را تقدیم حجة الاسلام دشتی نمود و چون در آن زمان از قصد ایشان بر تکمیل اثر خبر یافت از پیگیری امر چشم پوشید. چاپ دوم کتاب در سال ۶۹ توسط نشر امام علی - علیه السلام - با اضافات و ابتکاراتی چند دیده طالبان را روشن ساخت که بر پشتکار مؤلفین درود باید گفت. در مختصر حاضر، تنها همان نکاتی که در گذشته به محضر حجة الاسلام دشتی تقدیم شده بود و چند نکته تازه ارائه می شود. و گرچه در چاپ جدید در موارد متعدد تغییر مشاهده شد اما عدم اعمال بعضی دیگر مایه شگفتی است.

## اول) عوامل غیر واژه ای:

کتاب حاضر از نظر حجم از چاپ اول کم حجم تر و به تبع آن قابل استفاده تر است. <sup>۱</sup> گرچه کیفیت کاغذ و حروف چاپ اول بسیار بسیار بهتر می نماید، صحافی چاپ دوم مطلوبتر و پر دوام تر است.

عناوین و واژه های اصلی با رنگ قرمز چاپ شده است و این امری پسندیده است، اما از نظر فنی آشفته گی در کاربرد رنگ قرمز به چشم می خورد.

ارزش واژه یابهای متون، امری پوشیده نیست و سخن از فواید آن حشو می نماید؛ لذا بی مقدمه به یکی از معجمهای مهم در این باب می پردازیم.

پیشینه واژه یاب نهج البلاغه در عصر ما به «الکاشف» اثر حجة الاسلام سید جواد مصطفوی خراسانی - ره - می رسد که در حد خود کاری ارزنده است؛ امّا مع الاسف کاستیها و خطاهای فراوان و عدم وجود یک روش مدرن در ارائه واژه ها و گاه خطا خیزی آن و سرانجام تقطیع غیر کافی جملات، آن را از سودبخشی لازم، محروم ساخته است.

در سال ۱۳۶۴ به همت حجج الاسلام محمد دشتی و کاظم محمدی واژه یاب نهج البلاغه با وضعی شکیل و زیبا و با ابتکاراتی چند به چاپ رسید و انصافاً از جهات متعدد بر الکاشف برتری داشت. این واژه یاب بر سیاق «المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم» ترتیب یافته بود اما نواقص و اشتباهات آن کم نبود.

نگارنده در همان ایام به مقایسه الکاشف و المعجم نهج البلاغه پرداخت و در حوزه محدود ابواب حروف «الف و یا» و کاوشهای تصادفی در چند باب دیگر، نکاتی را استخراج کرد و بعدها توسط یکی از عزیزان دست

در کتاب حاضر، نهج البلاغه مصحح صبحی صالح با تغییراتی چند<sup>۲</sup> و همراه ترجمه فارسی به چاپ رسیده است. اما مع الاسف فهرست تغییرات به دست داده نشده است و در چند مورد تغییری که ذکر شده تغییرات مذکور در معجم، ملحوظ واقع نشده است.

ترجمه حاضر نیز نه تنها از جهات متعدد ضعف و نقص و اشتباه دارد، بلکه گاه ترجمه آزاد می نماید<sup>۳</sup> که این امری نادرست در ساحت نهج البلاغه است. و ای کاش ترجمه های مفیدی چون ترجمه دکتر شهیدی و یا ترجمه مرحوم فیض با حذف اضافات آن، ملاک قرار می گرفت.

طرحی که برای آغاز و پایان بابها نیز طراحی شده بسیار غیر هنرمندانه و عوامانه است و ای کاش مانند معجم آماری قرآن برای انتخاب طرح آغاز بابها طرحی زیبا و معنی دار انتخاب می شد.

سرانجام باید افزود که حذف اکثر فهرستها چون فهرست نسخه بدلها (گرچه در متن مصحح اعمال شده باشد) امری ناموجه است و ای کاش در چاپ بعد حداقل این فهرست مفید مجدداً چاپ شود.

### دوم) عوامل واژه ای:

ما در این بررسی کوتاه به چند دسته از خطاهای واقع در این معجم می پردازیم:<sup>۴</sup>

#### الف- ذکر یک واژه در ۲ ماده (ریشه):

(۱) أَفْنٌ (ك ۱۱۶/۳۱) به معنای نقص در ص ۲۷ در ماده خود ذکر شده و مجدداً در ص ۳۵۷ به خطا ذیل ماده «فنی (فناء)» هم آمده است و بر عکس أَفْنٌ (ك ۳/۲۳) از ماده «فناء» در ماده «افن» هم ذکر شده است.

(۲) الفْتِیم (خ ۱۷/۳) مذکور در ص ۲۸ از ماده «ال ف ی» است همانطور که در ص ۴۱۱ در جای خود آمده نه از ماده «ال ف».

(۳) آمَدَه (خ ۱/۱۴۶) ص ۲۹ از ماده «مدد» است چنانکه در ص ۴۱۸ آمده نه «امد».

(۴) آمَرَّت (خ ۱۰/۱۵۴) ص ۲۹ از ماده «مرر» است نه «امر» (نک ص ۴۲۰).

### ب) ذکر دو واژه مختلف المعنی و مابین ذیل یک عنوان:

یکی از خطاهای تأسف آور و غیر قابل چشم پوشی این خطاست چرا که محقق را از دستیابی سهل و سریع به موارد منظور خویش باز می دارد؛ نمونه های آن بسیار است از جمله:

(۱) دو واژه آخر (به فتح خاء) و آخر (به کسر) یک جا

فهرست شده اند.

(۲) آمَرُّ (ك ۱۳/۵۳) و آمَرُّ (خ ۳/۸۴ و خ ۵/۱۸۳)

ذیل کلمه آمر ص ۳۴ آمده است که درست نیست. جالب است که در ص ۳۰ هم واژه آمر هست که به دلیل وجود عنوان آمر کم باید مراد آمر می بود. اما هر دو مثال و ارجاع مذکور ذیل این واژه در این صفحه نامربوط است.

(۳) آمَن (خ ۴۰/۸۳) افعال تفضیل امن) ذیل آمَن (به

فتح میم و نون) ضبط شده است!

(۴) أَظْهَر (خ ۴/۱۴۷) و أَظْهَر (ك ۴/۶۰ جمع ظَهر) با

هم فهرست شده اند.

(۵) مُجَاهِد (خ ۶۴/۱۹۲) با مُجَاهِد (ق ۴۷۴) یکجا

ضبط شده اند!

### ج) ناهمخوانی شاهد مثال و ارجاعات در مواردی که تعدد

#### ارجاع داریم:

(۱) در مورد کلمه مبارکه «اله» در لاله الاله به جای

ذکر لاله الاله به عنوان شاهد مثال، جمله «و اشهدان لاله الاله وحده لا شریک له» که مطول و غیر لازم است ذکر و نه آدرس و ارجاع برای آن ذکر شده است اما در موارد متعدد این کار غلط است؛ مثلاً در خ ۳/۱۱۴ به جای «اشهد» کلمه «نشهد» آمده و یا در خ ۱/۱۵۱ «لا شریک له» را نداریم و ... طبیعی است که در معجم باید شاهد مثال و ارجاع عین هم باشد نه با مختصر تفاوت.

(۲) به جای ذکر واژه امیر المؤمنین ذیل عنوان «امیر» از

جمله طولانی «من عبدالله علی امیر المؤمنین» یاد و ده

**(و) علم ضبط دقیق تعداد واژه ها:**

برای نمونه «ابا» (که اشتبهاً اَباً ضبط شده) در خود معجم شش تا پنداشته شده و در متن آن هشت مورد ذکر شده است و فی الواقع با احتساب «ابابکر» (ك ۱/۶) که از قلم افتاده، نه مورد است. یا «اکلت» ص ۲۷ چهار تاست نه پنج تا، و «امرت» ص ۲۹ هم سه تاست نه چهار تا، و «ایم» ص ۵۰۱ بر اساس آدرسها چهارده تاست نه شانزده تا (مگر آنکه مورد تکراری داشته باشد<sup>۵</sup>) و «ایام» در ۵۰۲- ۵۰۳ هم ۲۸ تاست نه ۲۵، ضمناً ذیل «ابو» عدد ۴ آمده که درست است اگر مورد ك ۱۷/۴ را که به خطا ذیل «ابی» رفته به سه مورد مذکور در متن معجم اضافه کنیم و قهراً تعداد «ابی» به جای ۲۲ تا می شود ۲۱ مورد. بدیهی است در مواردی که دو واژه همشکل تحت یک عنوان یاد شده نیز قهراً این حالت دیده می شود.

(ز) اشتباه در اهراب عنوان مربوط به شاهد مثال:

برای نمونه در مورد «آمده» برای جمله بیصر آمده (خ ۱/۱۵۴) و «آمده» برای جمله اعده و آمده (خ ۱/۱۴۶) این خطا دیده می شود. گرچه اساساً ذکر «آمده» در ص ۲۹ و ذیل «امد» غلط است و باید در ماده «مدد» ذکر می شد؛ این مورد شامل «ابا» نیز هست که «ابا» ضبط شده است.

**(ح) علم رعایت ترتیب ذکر آدرسها و ارجاعات:**

این مورد آن قدر زیاد است که ذکر نمونه برای آن غیر ضروری است و مع الاسف در مواضع متعدد کتاب به جای آنکه خطبه بر کتاب (نامه) و کتاب بر قصارالحکم مقدم باشد و در مورد هر یک از خطب و کتب و قصارالحکم هم شماره ها مرتب و پشت سر هم بیاید، در هم ریختگی مشاهده می شود طوری که بررسی را سخت مشکل می کند؛ مثلاً گاه «ق» بر «خ» مقدم است یا خ ۱۶۳ بر خ ۱۵۰ مقدم است و ...

**سوم) پیشنهادهایی در باب معجم نگاری**

ما هنوز به دهها واژه یاب متون خود اعم از حدیثی و

آدرس ذکر شده است که در موارد مختلف فرق دارد از جمله در ك ۱/۲۴ کلمه «ابن ایطالب» هم هست و ...

۳) در مورد «ابن ابی سفیان» مورد مذکور در ك ۳/۴۴ فاقد «ابن» و تنها «ابی سفیان» آمده و مورد ك ۴/۱۷ نیز غیر مربوط است و در آن ابوسفیان آمده است!

**(د) علم ضبط دقیق واژه ها:**

این مورد خود دو قسم است: قسم اول که عنوان وجود دارد اما کمبود آدرس و ارجاع مشاهده می شود؛ مثلاً در مورد «اله» مورد خ ۱/۳۵ (جمله: لیس معه الهه غیره) ضبط نشده لذا تعداد «اله» هم به جای ۱۷ مورد ۱۸ تاست (بدیهی است که غیره نیز در باب غین ذکر نشده است). یا در مورد «الامه»، مورد یقتل فی هذه الامة امام (خ ۹/۱۶۴) ذکر نشده است؛ گرچه تعداد ۲۷ مورد درست است. یا ذیل ماده «امر» در عنوان «مر» با آنکه ذکر شده که سه مورد است تنها دو مورد یاد شده و مورد سوم یعنی خ ۱۳۳/۱۹۲ ذکر نشده است (ضمناً عنوان این قسمت هم افتاده است؛ نک ص ۳۰). کذا ذیل واژه «این» مورد خ ۵۶/۸۳ یاد نشده است و نیز در مورد «ید»، ق ۲۰ از قلم افتاده است.

از همه مهمتر عدم ذکر مواردی است که در متن تصحیح شده نهج البلاغه وجود دارد اما در معجم آن اعمال نشده است؛ مثلاً در مورد ق ۱۹۰ که به جای «واعجبا، اتکون الخلافة بالصحابه و القرابة» جمله «واعجبا، اتکون الخلافة بالصحابه و لا تکون بالصحابه و القرابة» در متن مصحح آمده، اما جمله اول در متن معجم باقی است. ضمناً تعداد «تکون» که در چاپ اول ۳۳ تاست به ۳۴ تبدیل نشده و تعداد «صحابه» نیز قهراً کم است.

قسم دوم مواردی است که به طور کلی یاد نشده است؛ مانند مرها (خ ۱۳۱/۱۹۲).

**ه) ضبط یک واژه ذیل ماده مربوط و در دو محل:**

مانند یدی (ك ۹۱/۳۱) که در ص ۴۹۸ و ۴۹۹ جداگانه ضبط شده است و آن هم ذیل ماده «ید».

رجالی و ... نیاز داریم. خوب است که تهیه واژه یاب یا معجم آنها با کمک کامپیوتر (که خطای آن جز بر اثر سهل انگاری، ممکن نیست) انجام گیرد. تجربه نگارنده در بررسی انواع معجمها نشان داده است که هنوز معجم کاملی حتی برای قرآن عزیز ما وجود ندارد (حتی در مورد معجم آماری کلمات قرآن کریم که تصور می شود بی نقص است)، و از این مهمتر تهیه همزمان بسامدنگار واژه ای و معنایی متون اصلی است که عاملی بس چاره ساز در تحقیق و پژوهش است و در آینده - ان شاء الله - از آن سخن خواهیم گفت.

اصولی که ذیلاً ذکر می شود چه در واژه یاب نویسی دستی و چه کامپیوتری باید مد نظر قرار گیرد تا احتمال خطای معجم کمتر شود. لازم است پیش از آن به اهمیت تهیه واژه یابهای ابثی (یعنی واژه یابی که اساس ترتیب کلمات در آن ترتیب الفبایی و به اصطلاح جدید ابثی است و نه ریشه کلمات) نیز توجه کرد و تجربه تحقیق به کمک این نوع واژه یابها لزوم تهیه آن را بر نگارنده عیان ساخته است؛ برای نمونه با وجود معجم قرآن، فهرس اللفاظ دکتر رامیار که شکل تکمیل تر آن به نام ترتیب معجم المفهرس انتشار یافته است، برای هر محقق قرآنی ضروری است و برای مثال در بحث اسماء الهی به کمک این نوع واژه یاب اسمهایی که اسم فاعل است و با حرف میم شروع می شود زودتر پیدا می شود و حتی اسم فاعل در همه حروف و ...

به هر حال لازم است این نوع فهرست واژه ها برای معجم نهج البلاغه نیز تدارک دیده شود. اما مهمتر از آن اینکه به جای روش مرسوم در ضبط واژه ها در شیوه فهرست بر اساس ماده (ریشه) کلمات که شکل صرفی کلمات مد نظر است، بهتر است که از یک ترتیب ابثی در داخل هر حوزه ریشه ای کلمات استفاده شود. این کار در یافتن واژه ها بسیار کمک کننده است و از خطای احتمالی در ترتیب صرفی نیز مبرا است و تا آنجا که نگارنده اطلاع

دارد ابراهیم الابیاری در موسوعة القرآن الکریم ضمن توجه به ریشه و ترتیب ابثی مواد کلمات، ذیل هر ماده واژه ای به ترتیب ابثی و نه صرفی یاد کرده است. با این کار مثلاً در ریشه احد به جای آنکه در معجم نهج البلاغه از ترتیب صرفی احد، الاحد، احداً، احدکم، احدهما، احدهم، احدنا، احدی، احدهما و آحاد پیروی شود، ترتیب ابثی و زودیاب آحاد، الاحد، احد، احداً، احدهما، احدکم، احدنا، احدهم، احدهما، احدی ذکر می شود.

لازم به ذکر است که رعایت ترتیب ابثی چه در حالت ابثی صرف و یا ابثی ذیل ماده، مستلزم رعایت اصولی است که عدم رعایت آن مشکلاتی را به بار می آورد. خلاصه و اهم این اصول اینهاست:

۱. تقدیم «آ» بر «ا».

۲. تقدیم کلمه با «ال» بر کلمه مشابه بدون «ال».

۳. ذکر واژه های همشکل و مختلف الاعراب یا مختلف در مشکول بودن در دسته های جداگانه؛ مثلاً دو کلمه آخر و آخر همشکل بوده و حرکت خاء آنها متفاوت است و بر اساس یک ضابطه مشخص یکی از آنها را مقدم بر دیگری باید ذکر کرد (توضیحات خوبی در این باره در معجم آماری قرآن جلد یک هست که طالبان به آن مراجعه کنند؛ گرچه ما در آن نظر داریم و به اطلاع مؤلف محترم آن نیز رسانده ایم). این مطلب در مورد کلمات تنوین دار یا مواردی که همزه روی الف یا واو یا یاء می نشیند و نظیر اینها نیز باید رعایت شود، با حفظ این که شکل کلمه بر حرکت آن مقدم است و حرکات نیز بر اساس ضابطه ای که تعیین می شود بر یکدیگر تقدم دارند. در این حالت باید کلماتی که به تاء تأنیث (ة) ختم می شود بر (ت) مقدم باشد و قس علی هذا. برای مثال اگر ترتیب حرکات را فَعْلٌ بگیریم و تنوین نصب را که غالباً با «الف» می آید جدا حساب کنیم، در مورد چهار کلمه همشکل فَعْلٌ، فِعْلٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ باید سه کلمه که با فتحه

شروع می شوند بر آنکه با کسره شروع می شود، مقدم باشند و در میان آن سه نیز آنکه حرف دومش مفتوح است بر همه مقدم است و در دوتای دیگر آنکه حرف دومش مشدّد و مفتوح است بر دیگری مقدم و نهایتاً ترتیب این است: **فَعْلٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ، فَعْلٌ** و اگر فرضاً کلمه پنجمی که حرف سومش مثلاً تنوین رفع داشت، بود پس از فعل می آمد. یا در مورد دیگر کلمه **أُمَّةٌ** بر **أُمَّتِكُمْ** و **أُمَّتِهِ** مقدم است.

با فرض فوق، حالت مختلف حرکت آخر کلمه و به اصطلاح اعراب آن باید در نظر باشد و مثلاً موارد **اللَّهِ** و **اللَّهُ** یا **أَرْضٍ**، **أَرْضِ**، **أَرْضٌ** جداگانه فهرست شود، کما این که دو کلمه **أَمْرٌ** و **أَمْرٌ** که تنوین آخر کلمه آنها یکی نیست، باید جدا فهرست شود و قس علی هذا.

متذکر می شود قوانین ترتیب ابثی در مورد روش ابثی صرف و روش ابثی ذیل یک ماده تفاوت چندانی ندارد و اصل عمده در این روش تقدم شکل کلمه بر حرکات آن است. با این توضیح همزه در حالاتی که روی (الف) یا (واو) یا (یاء) می نشیند باید در ردیف شکلی خود قرار گیرد و گرنه مایه به هم ریختگی کار می شود و این اشکال در معجم آماری قرآن که اخیراً انتشار یافته به چشم می خورد.

\*\*\*

در پایان از مؤلفین پرکار و پر حوصله معجم نهج البلاغه می خواهم که در فکر کامپیوتری کردن کار خود و تصحیح اثر خویش باشند و واژه یاب ابثی صرف نهج البلاغه را نظیر معجم آماری قرآن فراهم آورند و اگر فرصت این کار برایشان نیست حداقل در استدراک و چاپ مجدد اثر خویش مواردی چون «الله الله» و «اللهم» را که در نهج البلاغه آمده و تعدادشان زیاد هم نیست، اضافه فرمایند و اگر میسر است از ذکر نسخه بدلها در اصل معجم خودداری کرده تنها به فهرست آن در پایان کتاب بسنده فرمایند.

از خداوند متعال توفیق بیشتر برای آقایان دشتی و محمدی مسألت داشته و از امیر بیان و پیشوای مؤمنان می طلبم که همه ما و دست اندرکاران مجله پرارزش آینه پژوهش را منظور نظر داشته، شفاعت و حمایت و هدایت فرمایند.

## والحمد لله رب العالمین

### پی نوشتها:

۱. چاپ اول معجم بالغ بر ۱۴۶۰ صفحه بود که ۱۶۹ صفحه آن مقدمه و متن نهج البلاغه و شرح لغات آن بود و از صفحه ۱۷۰ تا ۱۳۷۱ حدود ۱۲۰۰ صفحه متن معجم و ما بقی شامل اطلاعات مفیدی درباره مصادر و مراجع و جدول اختلاف نسخ بود. در چاپ دوم متن معجم به ۵۰۰ صفحه کاهش یافته و ۲۱۶ صفحه نیز شامل متن نهج البلاغه و ترجمه آن و جدول اختلاف نسخ و چند فهرست است و این کاهش تعداد صفحات، امری مطلوب است، و ای کاش با حذف ترجمه فارسی و چاپ متن نهج البلاغه در دو ستون، هم تعداد صفحات کمتر می شد و هم برای عرضه آن در کشورهای دیگر، بهتر عدم وجود ترجمه است. در نمایشگاه بین المللی کتاب متوجه شدم که چاپ اول متن معجم نهج البلاغه توسط دارالتعارف بیروت و تنها با ذکر نام مؤلفین چاپ شده و البته تغییرات اندکی چون تعویض متن نهج البلاغه و انطباق آدرسها با آن داده شده و جدولها نیز حذف شده است.

۲. این کار با حذف بعضی از سر فصلها و عناوین و کلمات اضافه شده توسط صبحی صالح و یا دگرگونی کلی بعضی از جملات چون **قصارالحکم ۱۹۰** است که بسیار بسیار لازم بوده است و در عین حال شماره هایی که در متن صبحی صالح برای شرح لغات بوده حذف شده و نسخه بدلها نیز در کمانک (پراتنز) و داخل متن قرار گرفته است. به نظر نگارنده بهتر است در مورد یک متن انتقادی و مصحح از نهج البلاغه بیش از اینها کار شود و خصوصاً از ذکر نسخه بدلها در متن خودداری شود. در یک بررسی سریع و کوتاه در متن مصحح معلوم شد که ذکر بعضی از نسخه بدلها بی فایده بلکه نادرست است چرا که تصحیح متضمن یک نقل مکانیکی و بدون تفکر یک واژه نیست و مصحح باید بر اساس منتهای مختلف و قدمت و صحت آنها بهترین و درست ترین و واقعی ترین واژه را برگزیند؛ برای مثال در خطبه اول (خ ۴۷/۱) در روش معجم نویسان محترم) دو کلمه «محکمه و متشابهه» از کلمات مشهور و دیرآشنای مسلمین است و واضح است که ذکر واژه «متشابهه» که یقیناً تصحیف است به عنوان نسخه بدل در کمانک درست نیست و همچنین در مورد «مجمله» (خ ۴۷/۱ سطر ۲) که ذکر واژه جمله به عنوان نسخه بدل نادرست به نظر می رسد. عجیب تر از آن، ذکر کلمه «فسق» در این

جمله است که ما مراد از آن را درنیافتیم: «كانهم لم يسمعون الله سبحانه (نسق) يقول: تلك الدار الآخرة...» (خ ۱۴/۳) مذکور در ص ۶ متن نهج البلاغه). و نظیر این موارد زیاد است که استقصای آنها مجالی و سبتر می طلبد.

۳. نمونه هایی از ترجمه مذکور در معجم و ترجمه مرحوم فیض ارائه می شود تا به تفاوت آنها پی برده شود، البته زیادات ترجمه فیض که در کمانک است حذف شده است:

الف) ان للقلوب شهوة و اقبالاً و ادباراً فاتوها من قبل شهرتها و اقبالها فان القلب اذا اكره عمى (ق ۱۹۳).

ترجمه معجم: برای دل‌های آدمیان علاقه و اقبال و گاهی تفر و ادبار است. هنگامی که می خواهید کاری را انجام دهید از طریق علاقه اشخاص وارد شوید زیرا هنگامی که کسی را مجبور بر کاری کنید نابینا می شود.

ترجمه فیض: محققاً دل‌ها را خواهش و رو آوردن و روگرداندنی است، پس بسوی آنها بیایید از راه خواهش و رو آوردن آنها، زیرا هر گاه دل مجبور شود کور گردد.

ب) در مورد ارباش حضرت (ع) فرموده اند:

هم الذين اذا اجتماعوا و اذا تفرقوا نفعوا، فليل: قد عرفنا مضرة اجتماعهم، فما منفعة افتراقهم؟ فقال: يرجع اصحاب المهن الى مهتهم فينتفع الناس بهم كرجوع البنائ الى بناه و النساج الى منسجه و الخباز الى معيظه (ق ۱۹۹)

ترجمه معجم: آنها کسانی هستند که هرگاه متحد شوند زبان رسانند و هنگامی که متفرق گردند سود به بار خواهند آورد. گفته شد: زبان اتحاد آنها را دانستیم، منفعت پراکندگیشان چیست؟ فرمود: پیشه وران و اهل کسب به کارهای خود باز می گردند و مردم از تلاش آنها سود می برند: بنا به کار خود می پردازد، بافنده مشغول بافتندگی و نانوا به پخت نان اشتغال پیدا می کند.

ترجمه فیض: آنها کسانی هستند که چون گرد آیند زبان دارند و چون پراکنده شوند سود دارند، پس گفتند زبان اجتماعشان را دانستیم، سود پراکندگیشان چیست؟ فرمود: پیشه وران به پیشه و کار خود بر می گردند و مردم به وسیله آنها سود می برند مانند باز گشتن بنا به ساختمان و بافنده به کارگاه و نانوا به نانوايي خود.

بدیهی است که دقت در متن دو ترجمه هم واژه گزینی متفاوت و غیر ادیبانه و غیر هنری و نیز عدم دقت در ترجمه معجم را نمایان می سازد (موارد مورد نظر برجسته شده اند)، این دو نمونه اتفاقی بررسی شده است و بررسی دقیقتر نشان داد که عدم دقت در واژه گزینی و ترجمه آن قدر است که صرف وقت در یافتن موارد صحیح درست تر است تا عکس آن.

از موارد ترجمه آزاد یکی همان قصار الحکم ۱۹۳ است که یاد شد، یک مورد کوتاه دیگر این است: قال عليه السلام: عجب المرء بنفسه احد حساد عقله (ق ۲۱۲)

ترجمه معجم: خود پسندي دشمن عقل است.

ترجمه فیض: خودبینی شخص یکی از رشکبران خرد اوست.

۴. بنا به روش مولفان محترم خ معادل خطبه، ك معادل كتاب (نامه) و ق معادل قصار الحکم است.

متذکر می شود که در این بررسی مختصر ما از مواردی چون عدم یکدستی در ذکر نسخه بدلها و... خودداری کرده ایم، چرا که به نظر ما لازم نبود که نسخه بدلها در متن معجم ذکر شود، گرچه مولفان محترم بدون ضابطه گاه نسخه بدلها را یاد نکرده اند؛ مثلاً در مورد متسابقه (خ ۱/۴۷)؛ و از آن عجیب تر که گاه نسخه بدل را ذکر کرده و واژه اصلی را بدان ارجاع داده اند. مانند آبر که آثر (خ ۱/۵۸) را بدان ارجاع داده اند؛ و باز متذکر می شوم که چون عمده سعی ما در اختصار بوده و در بیشتر موارد دو باب الف و یاء را بررسی کرده ایم از موارد دیگر جز به موقع ضرورت یاد نکرده ایم و گرنه باید از اشتباهاتی چون ذکر واژه های ادختر و ادخرت و ندخروا و ندخرها و ادختر ذیل حرف دال مهمله هم یاد می شد در صورتی که اصل آن دخر است و ذیل آن یاد نشده است.

۵. یکی از نکات مهم عدم ذکر وجود تکرار یک کلمه در آدرس و ارجاع است. دیگران چون فلوگل و دکتر رامیار با حرف «م» مکرر بودن یک واژه را در آدرس مورد نظر نمایانده اند و گرچه در مواردی که عین جمله می آید این کار لازم نیست (چون معجم قرآن) اما به دلیل آنکه جملات معجم نهج البلاغه کامل نیست، عدم ذکر تکرار در شمارش تعداد واژه ها مشکل به بار آورده است. خصوصاً که در معجم هر دو سطر متن نهج البلاغه با یک شماره آدرس داده می شود، لذا برای ما گاه شمارش دشوار شد و همین عامل خطای مولفان هم بوده است؛ مثلاً در مورد واژه یده به ق ۱/۳۴۷ و ۱/۲ و ۳ ارجاع داده اند و در این سه آدرس که معادل ۶ سطر است نه تنها شاهد مثال با ارجاع نمی خوراند که به جای سه واژه ۴ واژه داریم و چون واژه مکرر در آدرس دوم است ذکر آن به این شکل درست تر بود: ق ۳۷۴/۱ و ۲، م، ۳.

